

نشریه کمیته
کردستان حزب
کمونیست کارگری
ایران - حکمتیست

اکتبر

۳

کارگران جهان
متحد شوید!

۲۵ شهریور ۱۳۸۳ ، ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم،
جنبش
بازگرداندن
اختیار
به انسان است

اکتبر

سردبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: 0046739555085

چهارشنبه ها منتشر میشود

سایت حزب
کمونیست
کارگری ایران
-حکمتیست:
www.hekmatist.com
مسئول سایت:

نسرین جلالی

قانون کار اسلامی عرصه جدال دائمی کارگران با سرمایه‌داران و دولت

با گذشت بیش از یک دهه از تصویب قانون کار اسلامی مصوب کارفرما و دولت برای کارگران، کماکان این قانون یک عرصه کشمکش دائمی بین کارگران از یک طرف و کارفرماها و دولت از طرف دیگر است. از یک طرف کارگران خواستار تغییر قانون کار در راستای لغو قراردادهای موقت کار،



مظفر محمدی

صفحه ۳

مدارس بزودی باز میشوند!

دانشجو برای فعالیت یکسال دیگر دور هم جمع خواهند شد. امسال در حالی سال تحصیلی شروع میشود که رژیم اسلامی بیش از هر زمان دیگر مورد نفرت و انزجار میلیونی مردم ایران است. نیروی اجتماعی جوانان، این نیرو که حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران است، این نیرو که عامل وحشت سران خرد و درشت رژیم اسلامی و تمام دستگاه سرکوب و کشتار را فراهم کرده است، بیش از هر وقت با موجودیت رژیم اسلامی در تعارض و تناقض است. صفحه ۲



عبدالله شریفی
abe_sharifi@yahoo.com

چند روز دیگر مدارس برای شروع سالی دیگر تحصیلی باز خواهند شد. با آغاز سال تحصیلی جدید، قریب ۱۹ میلیون دانش آموز و

اطلاعیه پایانی کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

صفحه ۴

اطلاعیه پایانی کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

صفحه ۴

نامه مریم اصغر پور همسر برهان دیوانگر، از فعالین کارگری در شهر سقز به:
اتحادیه ها، سندیکاهای کارگری، مدافعین حقوق انسان و مردم آزادیخواه جهان صفحه ۵

"کنگره" انقلاب ایدئولوژیک

ایرج فرزاد

صفحه ۳

مبارزه با تروریسم کار ماست



حسین مراد بیگی

سه سال بعد از فاجعه ۱۱ سپتامبر، دنیا هنوز دست مرتجعین تروریست از هر دو طرف این مسابقه تروریستی است. هنوز دهها و بعضا صدها تن از صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اطلاعیه پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

بیش از پیش با این کمیته تداوم بخشند.

زنده باد سوسیالیسم

کمیته سردشت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

دبیر کمیته:
علی عبدالی

۱۷ شهریور ۱۳۸۳
۷ سپتامبر ۲۰۰۴

بدنبال جدا شدن بخش عظیمی از کادرهای مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در تداوم اختلافات سیاسی، و با اعلام تأسیس حزب جدید کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ارگانها و کمیته های متعددی بر اساس انتخاب گرایش سیاسی به این حزب پیوستند. بدینوسیله کمیته سردشت سازمانیافته در کمیته کردستان، پیوستن خود را به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست اعلام داشته واز کلیه فعالین و مبارزین انقلابی بویژه جوانان سردشت انتظار دارد که همکاری و فعالیت خود را

مدراس و کوچه و خیابان از شعار زنده باد آزادی و برابری پاک شود. در مناطقی که امکان بیشتری وجود دارد، میشود و باید در فکر نقشه خارج کردن کنترل محلات از دست جمهوری اسلامی، در مدارس و دانشگاه بود- میشود از جوانب مختلف خارج کردن کنترل مدارس از قانون و احکام جمهوری اسلامی با هم تبادل نظر کرد و قرار و مدار لازم برای پیشبرد این امر گذاشت. میشود حول تصمیمات مشترک گروه های متنوع سازمان داد. ایجاد شبکه های کمونیستی، ایجاد محافل و شبکه های جوانان حکمتیست از همان روز اول باید در دستور کار قرار گیرد. باید جوانان و شبکه های جوانان کمونیست را به حول حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست گرد آورد.

آغاز سال تحصیلی میتواند، نوید گرد آمدن نیروی وسیع جوانان و دانش آموزان حول مبارزه برای خلاصی از رژیم اسلامی، برای یک آینده خوشبخت، شاد، مرفه، و آزاد و برابر باشد.

۱۴ سپتامبر ۲۰۰۴
۲۴ شهریور ۱۳۸۳

مسئله بافضل و عاجل تبدیل شده است. ما در چنین دوره ای به استقبال سال جدید تحصیلی میرویم. با چنین واقعیاتی رژیم میخواهد جهالت و خرافات اسلامی را بجای علم و دانش به مدارس ببرد. مردم به ستوه آمده و جوانان معترض باید با مبارزه و اتحاد خود شرایطی را شکل بدهند که دست مذهب را نه در محیط کار و مدارس بلکه بر زندگی مردم کوتاه کنند. با باز شدن مدارس نه تنها چندین میلیون دانشجو و دانش آموز بلکه صدها هزار از جمعیت يك جامعه، امکان ارتباط و بحث و تدابیر متقابل برایشان میسر میشود. نیروی وسیع دانش آموز و دانشجو معلمان و فرهنگیان، خانواده های این جمعیت عظیم نیروی است که میتواند و باید در شبکه های مختلف و طبیعی متحد شوند، در چنین شرایطی امکان میبایم تا به هزاران هزار دور هم جمع شویم و در مورد مبارزاتمان بحث کنیم و تصمیم بگیریم. باید از همان روز های اول مدرسه و دانشگاه با نوشتن شعار زنده باد آزادی، زنده باد برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی، حضور سیاسی خود را اعلام کرد. نباید گذاشت يك روز در و دیوار

رادیو پرتو،

رادیو موج کوتاه
با مسئولیت
مصطفی اسد پور
از هفته اول اکتبر
آغاز بکار خواهد کرد
طول موج و ساعات
پخش رادیو پرتو را
در اطلاعیه های
بعدی به اطلاع عموم
میرسانیم
توجه!
پخش اینترنتی رادیو
پرتو از ۲۲ سپتامبر
شروع خواهد شد

منتشر شده است:

- کمونیست شماره ۲
- جوانان حکمتیست شماره ۳
- رهائی زن شماره ۱
- پاسخ شماره ۴
- بی خدایان شماره ۷

دسترسی به نشریات حزب کمونیست

کارگری ایران - حکمتیست

در سایتهای:

www.hekmatist.com
www.oktober.com

تا زمان انتقال لینکها به سایت جدید کمیته کردستان،

سایت اکتبر، از طریق آدرس موقت:

www.iskraa.com

وارد شوید

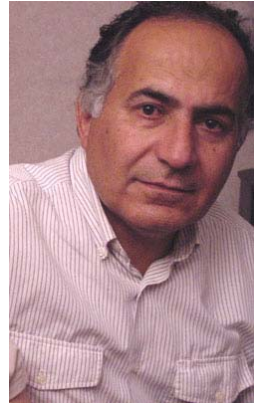
در مدارس، جلو این موج وسیع را بگیرد. استفاده از ابزارهای ارعاب برای رژیم اسلامی در سطح تلاشی عبث برای بقا خود، متوقف میماند جامعه ای که با هزاران مصائب روبرو است، جامعه ای که اعتیاد، کودکان خیابانی، دختران فراری، بیکاری، گرسنگی، بازار فروش قطعات بدن، گله حاکمان آدمکش و مافیایی شاخصهای تعریفش باشند، دوام نمی آورد، حاکمانش رفتنی هستند. اکنون دیگر تنها نفرت و خشم از حاکمیت اسلامی نیست که رابطه مردم و دولت اسلامی را تعریف میکند، بلکه این نفرت زبان سیاسی خود را یافته است. نخواستن از جانب مردم و نتوانستن از جانب دولت، مساله ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی را به ابعاد و جزئیات زندگی مردم کشانده است. از لباس پوشیدن تا عشق و مراد و متعارف جوانان، از علم و تحصیل تا شادی و احساس، از رفاه و آزادی تا خوردن و پوشیدن دیگر بدون سرنگونی این نظام جوابی ندارد. هر اعتراضی در خیابان و مدرسه، هر برخوردی میان چند جوان و نیروهای مزدور اسلامی، قابلیت آنرا دارد که سرعت به برآمد سیاسی بینجامد. به بیان گویاتر مساله سرنگونی به

نیست، مسئله شکست فلان حزب سیاسی مخالف نیست، مسئله تناقض و شکاف با نسلی است که تارو پود جامعه ایران را در هم طنبیده است، توقع و نیاز نسلی است که به جهنم اسلامی و قوانین بربریت آن چشم گشوده است. نسلی که توقع از زندگی خود را کمتر از هم نسلهای خود در اروپا و آمریکا نمیکشود، نسلی که آزادی و رفاه را حق مسلم خود میدانند، این نسل را نمی شود غیر قانونی و ممنوع اعلام کرد. حذف فیزیکی و حذف سیاسی و روحی و فرهنگی این نسل ممکن نیست، همه جا از مدرسه و دانشگاه تا محله و کارخانه، از خیابان و کوچه تا منازل نمایندگان و بیت خدم و حشم اسلامی رژیم، رنگ و بوی خود را دارد. این نسل مذهب و عقب ماندگی فرهنگی را دفع میکنند از روش زندگی، تا رابطه و عشق، از پوشیدن و نوشیدن تا رفت و آمدش، با قوانین اسلامی شدیداً در تناقض است، هر جوان روزانه صد بار قوانین کثیف اسلامی را به شیوه های مختلف زیر پا میگذارد - رژیم اسلامی نمیتواند با نمایش اعدام و سنگسار و قطع دست و پا، با روانه کردن گله ضد حجاب به خیابانها، با استخدام جاسوس و ماموران خفیه

مدارس بزودی باز میشوند!

آرایش رژیم اسلامی با وارفتن پروژه دوم خرداد، با کرسی گرفتن حداد عادل و به خانه فرستادن کربوبی در مجلس، با صف بندی جدید آدمکشان ارتجاعی، با تجربه کردن دوره های داغ تقابل مردم و نسل جوان، موقعیت شکننده و ضعیفی را به خود داده است. هر چند که این روزها بساط اعدام و ارعاب، نمایشات دست بردن و قطع دست و پا، سیاست روز جمهوری اسلامی برای ارعاب جامعه بوده است، هر چند که امتداد فلاکت و فقر و بیکاری دامنه وسیع تری پیدا کرده است، اما نتوانسته اند جوابی به معضلات لاینحل این جامعه بدهند، قادر نبوده اند در چشم مردم هراس دست برداشتن از تلاش برای حفظ حقوق خود و خانه نشینی ایجاد کنند در حقیقت مساله فراتر از اینها است، بحران رژیم اسلامی عمیقتر از این حرفها است، نسلی که چند روز آینده به مدارس بر میگردد، نسلی است که با تمام جزئیات زندگیش، با قوانین، با فرهنگ و با موجودیت حکومت اسلامی در تناقض است. بحث بر سر عقب راندن فلان سازمان اپوزیسیون

کنگره "انقلاب ایدئولوژیک"



ایرج فرزاد

حتی هر سازمان و انجمنی که حداقل موازینی برای تشکیل جلسات خود دارد، حزب کمونیست کارگری و سنن منصور حکمت به کنار، تعرض ضد انتقادی را درست مانند هر سکت و فرقه غیر اجتماعی، به یک انقلاب ایدئولوژیک ارتقا دهند. برنامه، آکسیون و تظاهرات و شعار سردادن بود. و ما گفتیم این دفن تاریخ ۲۵ سال گرایش و تحزب و سیاست و سنن منصور حکمت است و در آن شرکت نخواهیم کرد.

میدانی را که اینها برای عرض اندام کثیف ترین زهر پراکنیهای ضد کمونیستی فاشیستهای قوم پرستی چون امین صادقی به کمونیسم کارگری و منصور حکمت از طریق "افشاگریهای" سراسیمه از حکمتیستها باز کردند، در این مناسک ایدئولوژیک پهن تر میکنند. تخریب مناسبات انسانی و تهاجم افسار گسیخته به روابط عاطفی انسانهایی که تا دیروز رفیق و همزم و دوست و یار یکدیگر در مبارزه و مصاف با مصائب زندگی بودند، از تحفه های تصمیمگیریهای کسانی است که میروند تا از یک

حزب کمونیستی و دارای مناسبات قدرتمند انسانی، یک فرقه و سکت بیرحم و مهجور بسازند. این جایگاه از پیشی "دستاوردهای گرایش چپ غیر اجتماعی و ترجمان واقعی آن در جهان بیرون است که در راس حزب بجا مانده دیگر موجب افتخار هم هست.

با اعلام تشکیل حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از جانب ما، ظاهراً دلیلی برای اصرار به برپایی این مناسک باقی نماند. اما چنین به نظر میرسد که جریان "ضد انتقادی" و "انقلاب ایدئولوژیک" هنوز در حزب باقی مانده اهداف دیگری دارد و میخواهد میخ خود را بکوبد. "غسل تعمید" و "انقلاب ایدئولوژیک" را لازمست در یک اجتماع رسمی برگزار کنند، لازمست تغییر خط مشی و سنن منصور حکمت را در یک اجتماع خود فراخوانده رسمی کنند و لازمست مشابه دیگر "انقلاب ایدئولوژیکها و انقلاب فرهنگها" صدای اعتراض و انتقاد احتمالی را به خیال خود از هم اکنون و تا مدها بعد مرعوب کنند. این جوهر برپایی اجتماعی است که به دلخواه نام "کنگره" را بر آن گذاشته اند. اگر چه بهانه آژیتاسیونهای سطحی لیبر و همفرکان ماجراجوی نزدیکش حمله به ما حکمتیستها خواهد بود، اما

آن تحریکات و مصوبات متعاقب آن فقط بهانه اش ما هستیم، هدف پایهای تر، تغییر سیمای سیاسی آن حزب و مرعوب کردن هر صدای مخالفی در میان صفوف باقیمانده در آن حزب است. در جریان مباحثات داغ دوران پس از مرگ منصور حکمت حمید تقوایی و آذر ماجدی و علی جوادی خط منسجمی را نمایندگی کردند. گرچه تظاهر قطره چکانی این خط، به دلیل بیان آن از جانب مدافعانش به شکل مبهم، پیچیده و غیر صریح و در لفافه "شورا و حوزه و انقلاب"، در پروسه جدلها و اختلافات به شکل دردناکی در آمد و شخص کورش را، در ناسالم ترین هتک حرمتهای شخصی، بر بسته بندی ای که میبایست از حزب کمونیست کارگری طرد و نفرین شود، الصاق کردند، اما بالاخره صریح گفتند با چه چیزی در حزب کمونیست کارگری ایران مشکل دارند. "حزب سیاسی" و "حزب و قدرت سیاسی" برای این خط که میخواست و اکنون دیگر مصمم است، از حزب کمونیست کارگری ایران در بهترین حالت یک محفل مروج، مبلغ بسازد و بنیانهای اصول سازمانی آنرا زیر و رو کند، مانعی جدی بود. و این مانع نه فقط بخاطر سنگینی وزن و جایگاه خود منصور حکمت و

بحتهایش که مکتوب و ثبت شده و همیشه در دسترس اند، که به دلیل حضور فعال لایه هائی از کادرهای حکمتیست که در تمام تند پیچها و نقطه عطفهای کمونیسم کارگری مورد اتکای منصور حکمت بودند، غیر قابل عبور بود. نمیشد در هیچ پروسه متعارف و قانونی و در سنتهای رایج کمونیسم کارگری از پس حکمتیسم درون حزب کمونیست کارگری ایران برآمد. میبایست کار "فوق العاده" کرد. تبدیل کردن این تقابل با حکمتیسم به کمپین ناسالم شخصی علیه کورش مدرسی و داغ کردن و راه انداختن بحثهای آشپزخانه ای و غیبت کردهای غیر سیاسی و محفل، شیوه طرفداران آن خط و نمایش سنت چپ فرقه ای در درون حزب کمونیست کارگری ایران طی این دو سال اخیر بوده است. مناسک فوق العاده و انحلال خودسرانه پلنوم ۲۱ و فراهوان به تظاهرات تحت عنوان "دمکراسی مستقیم اعضا" از جمله روشهای غیرعادی عرض اندام این خط بودند. برای ما حکمتیستهای حزب کمونیست کارگری، این خط چپ غیر اجتماعی شناخته شده بود، و در جریان پروسه گام بگام عرض اندام علنی تر دیدیم که بالاخره حمید تقوایی در اولین سمینار پالتاکی در تقابل با

صفحه ۴

قانون کار اسلامی

رفع استثمار، آزادی تشکلهای کارگران، آزادی اعتصابات کارگری، برقراری امنیت شغلی و معیشتی، افزایش دستمزد و پرداخت بموجب دستمزدها و دیگر مطالبات کارگران، رفع بیعدالتی و تبعیض و... هستند. از طرف دیگر کارفرمایان و نمایندگانشان در وزارت کار و شوراهای اسلامی تازه به همین قانون ضد کارگری فعلی هم راضی نبوده و به قول خودشان خواهان بازنگری و اصلاح قانون کار به نفع سود سرمایه هستند. آنها از جمله میخواهند به کارفرمایان در اخراج گسترش دامنه قراردادهای موقت اختیارات بیشتری داده شود، میخواهند حقوق کارگران را کاهش دهند، میخواهند از زیر بار تعهدات قانونی و رفاهی کارگران مانند حق مسکن، خواربار، اولاد، سنوت

ضمانت اجرائی وجود نداشته و ندارد و همین نکاتی هم که به قول شوراهای اسلامی جنبه های مثبت این قانون است نسبی بوده و هیچ ضمانت اجرائی نداشته و ندارد. منصور حکمت در میزگرد بررسی لایحه کار جمهوری اسلامی در فروردین ماه ۶۹ که در کتابی بنام "کار ارزان، کارگر خاموش" درج شده است، این موقعیت کارگران را در رابط با قانون کار پیشبینی کرد. در زیر نقل قولی از منصور حکمت را می آورم که گویای این وضعیت و ارائه راه حل برای آن است:

"یک عده بچه حاجی مرد رند، رفته اند یک چیزی نوشته اند و آورده اند و میخواهند همینطوری یکجا قالب کنند. به اسم اینککه ۳۰ روز مرخصی درش هست و یا "قرار است" بیایند مشاغل را طبقه بندی کنند و به فلان طریق ۲ ریال برود روی مزد کارگران در فلان بخش. این نسیه است. هیچ ضمانت اجرائی

برای آنها وجود ندارد.... به خاطر این دوتا بندی که تازه معلوم نیست در عمل چه بشود کارگر دارد قباله بردگی اش را برای یک مدت طولانی امضا میکند. وقتی زیر این قانون امضا گذاشتید فردایش که نمیتوانید دبه دربیابید. باید ۶ سال تحت این قانون کار کنید تا تازه بتوانید صحبت عوض کردنش را بکنید.

این یک پیروزی اجتماعی برای جمهوری اسلامی خواهد بود اگر بتواند بی تشکلی و ممنوعیت اعتصاب، آقابالاسری شوراهای اسلامی، و این که وزیر کار و ۴ تا استاد دانشگاه به انتخاب خود او شرایط کار کارگر را تعیین کنند، را به کارگر تحمیل کنند.... اگر رژیم راست میگوید و میخواهد این قانون را اجرا کند بیاید و آن بندهایی را که همین الان کارگران خواهان اجرای آن هستند اجرا کند. اگر نمیکند معلوم است که باقی بندها نکاتی است که

کارفرما میخواهد در قانون بگنجانند. به نظر من کارگر و هر آدم باشرف در این جامعه باید قانون کار رژیم را رد بکند و در عین حال کارگر باید لیستی از نکاتی را که به نظر او باید اجرا بشود را از این قانون بیآورد و بر اجرای آنها پافشاری بکند....

این قانون از نظر حقوقی مردود است. چه کارگر مجبور بشود به آن تن بدهد و چه نه. و اولین روزی که کارگر اندکی اختیار و اقتدار پیدا کند همان روز لغوش خواهد کرد. اما فرمولی که کارگران الان باید داشته باشند این است که آنجا که گوشه هایی از مطالبات خود را در متن رژیم میبینند اینها را لیست کنند و خواستار اجرای فوری آن بشوند."

۱۲ شهریور ۸۳

۲ سپتامبر ۲۰۰۴

اطلاعیه پایانی کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به منظور رسمیت دادن به تأسیس این حزب و سهمیم کردن تعداد هرچه وسیعتری از کادرهای آن در خط مشی و سیاستهای حزب در روزهای ۱۴ و ۱۵ شهریور ۱۳۸۳ (۴ و ۵ سپتامبر ۲۰۰۴) در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار گردید.

نظر و تصمیم گیری قرار گرفتند. کنفرانس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم و به یاد عزیز منصور حکمت، و قربانیان روزهای اخیر تروریسم اسلامی و آمریکا در روسیه و عراق شروع شد. پس از سخنرانی افتتاحیه توسط کورش مدرسی، کنفرانس کار خود را رسماً با تصویب اعتبارنامه و آیین نامه و تعیین هیئت رئیسه شروع کرد.

در اولین دستور جلسه تحت عنوان "از حزب کمونیست کارگری تا حزب کمونیست کارگری - حکمتیست"، رحمان حسین زاده و کورش مدرسی، بعنوان معرفی کنندگان بحث، فشرده ای از روند اختلافات و تحولات درونی حزب کمونیست کارگری ایران را از بدو تشکیل این حزب و بویژه در دوره بعد از منصور حکمت را تشریح کردند. در این قسمت اختلافات اساسی درون حزب و کارکرد سیاسی و تشکیلاتی جریان های مختلف درون حزب و ضرورت ایجاد حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مورد بحث قرار گرفت.

در فاصله میان اولین و دومین

دستور سخنرانی ربیوار احمد لیدر حزب کمونیست کارگری عراق انجام شد. طی این سخنرانی ربیوار احمد ضمن توضیح مواضع اصولی و کمونیستی حزب کمونیست کارگری عراق در برخورد به جدالهای دوره گذشته، حمایت و هم سرنوشتی و همبستگی حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را مورد تأکید قرار داد.

دستور دوم جلسه بحث حزب سیاسی بود. این بحث توسط ایرج فرزاد و کورش مدرسی معرفی شد و طی آن ضرورت و مبنای تشکیلاتی ایجاد یک حزب کمونیستی سیاسی، توده ای، اجتماعی و مدرن مورد بحث قرار گرفت و در پایان کنفرانس قراری را در اینمورد به تصویب رساند.

سومین دستور جلسه تحت عنوان "انقلاب سوسیالیستی، حزب و قدرت سیاسی" توسط محمود قزوینی و کورش مدرسی معرفی گردید. در این بحث کنفرانس برترهای "حزب و قدرت سیاسی" مطرح شده توسط منصور حکمت در کنگره های دوم و سوم حزب کمونیست کارگری بعنوان مبنای استراتژی حزب تأکید گذاشت.

بعلاوه ضرورت آمادگی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای ایفای چنین نقشی در تحولات جامعه ایران مورد تأکید قرار گرفت و قطعنامه پیشنهادی به تصویب رسید.

دستور جلسه چهارم "اوضاع سیاسی ایران، و وظایف بلاواسطه ما" بود که توسط مظفر محمدی و فاتح شیخ ارائه شد. در این مبحث روند گسترش اعتراض و مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی، سقوط جمهوری اسلامی و وظایفی که حزب باید در دستور قرار دهد مورد بحث قرار گرفت.

کنفرانس در پایان یک کمیته مرکزی ۴۵ نفره را برای رهبری و هدایت حزب انتخاب کرد. اعضای کمیته مرکزی منتخب عبارتند از: آذر مدرسی، اسد گلچینی، اعظم کم گویان، ایرج فرزاد، اسد نودینیان، امان کفا، اسعد کوشا، امجد غفور، اسماعیل ویسی، بهرام مدرسی، بهروز مدرسی، جمال کمانگر، جلال محمود زاده، ثریا شهابی، حسین مرادیگی (حماه سور)، خالد حاج محمدی، حسن قادری، داریوش نیکنام، رحمان حسین زاده، ربیوار احمد، سلام زبجی، سعید قادریان، سعید کرامت، سعید یگانه، صالح سرداری، عبدالله دارابی، عبدالله شریفی، فاتح شیخ، فواد عبدالحی، کورش مدرسی، مهرنوش موسوی، مظفر محمدی، مجید حسینی، محمود قزوینی، محمد فتاحی،

مصطفی اسدیپور، موید احمد، نسرین جلالی، نسان نودینیان، ناهید ریاضی، نادیه محمود، ناسک احمد، نسیم رهنما، همایون گدازگر، یدی کریمی

کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری با سخنرانی اختتامیه کورش مدرسی در میان شور و شوق حاضرین و با اتحاد و همدلی سیاسی به کار خود پایان داد.

تعدادی از قرار و قطعنامه پیشنهادی که به کنفرانس رسیده بود به دلیل کمبود وقت جهت بررسی به کمیته مرکزی منتخب واگذار گردید. کنفرانس در همه این بحث ها شاهد دخالت فعال و پرشور شرکت کنندگان از جمله میهمانان کنفرانس بود.

این کنفرانس مستقیماً از طریق شبکه اینترنت پخش گردید و اسناد و مباحثات این کنفرانس دو روزه در نشریات حزب و در سایتهای حزب در دسترس عموم قرار خواهند گرفت

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۰ شهریور ۱۳۸۳
۱۰ سپتامبر ۲۰۰۴

خیزی که چه غیر اجتماعی برای منکوب کردن لایه انسانی باقیمانده در حزب کمونیست کارگری برداشته است. ادامه پافشاری به برپائی تجمع و آکسیون فوق العاده یک هدف اساسی دارد: تعرض سراسیمه و هیستریک به ما حکمتیستها بعنوان مرتدین و تلاش برای تشبیت و به سرانجام رساندن انقلاب ایدئولوژیک در راستای تعیین تکلیف نهائی با خط منصور حکمت در حزب بجامانده. این مراسم میخواهد صفوف خود را مرعوب کند، میخواهد راه بازگشت و بازبینی آنچه را که گذشت در یک فضای غیر سیاسی و فالانژی نفرت از ما حکمتیستها سد کند. در این آکسیون، "ادامه در صفحه ۶"

پاتکی در برابر مقاومت سرخستانه ما قرار دهند، علیرغم اینکه آذر ماجدی و حمید تقوائی سعی کردند به کمپین شخصی علیه کورش چاشنی، مقاومت "کمیته کردستان" ی ها را اضافه کنند، قادر نشدند نیات و قصد و تصمیم واقعی شان را با برجسپ دیگری بخورد ما بدهند و کادرهای استخوان دار تربیت شده در مکتب منصور حکمت را مرعوب کنند. بدین ترتیب بخش اساسی نقشه آنها پس از اعلام تصمیم ما به جدا کردن راهمان، برهم خورد. بالاتر اشاره کردم قاعدتا میبایست دیگر دلیلی برای برپائی مناسکی که موضوع کمپین آن از سر راه برداشته شده بود، باقی نماند. و اینجا میرسیم به تمام کنه و محتوای

برای خط خود مصادره کنند، راه انتخاب جدی دیگری به ماتحمیل شد. اعلام تصمیم ما به خودداری از حضور در جلسه تصفیه خط منصور حکمت یک پانیک به تمام معنی برای مدافعین خط سنتی چه بود. تلاش کردند حتی این مصاف را به یک کمپین شخصی تبدیل کنند، تلاش کردند کتابخانه عظیم منصور حکمت را و خط او را تا حد درد دلهای شخصی و کاملاً اختیاری و غیر مستند با این و آن تنزل دهند و به این ترتیب او را در راستای خط چه فرقه ای مصادره کنند. از عهده این کار بر نیامدند، و علیرغم تمام روشهای غیر سیاسی و تلاش برای اینکه بار دیگر هویت قومی و شناسنامه ما حکمتیستها را بعنوان

"کنگره" انقلاب ایدئولوژیک (از صفحه ۳)

کنونیست کارگری ایران را هم بدست بگیرد و کل تصویر سیاسی منصور حکمت و بویژه بحثهای حزب سیاسی، حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه را از سر در حزب پانین بکشد. اگر این خط به جایگاه سنتی خود در حزب قانع میماند و زندگی در سایه سیاستهای منصور حکمت را پیشه میکرد، چنانچه از بدو عروج کمونیسم کارگری چنین جایگاهی داشته است، مشکلی در همزیستی و همکاری با آنها نداشتیم، اما وقتی ایدئولوژیکهای چه غیر اجتماعی دیگر مصمم بود حزب کمونیست کارگری ایران را

بحثهای من و مجید حسینی و رحمان حسین زاده و کورش مدرسی تصریح کرد که با بحث حزب و قدرت سیاسی مخالف است، آنها را بحثهای "شفاهی" منصور حکمت میداند که در بهترین حالت تزریق روحیه ای بیش نبودند. سپس کتباً هم نوشت که حزب کمونیست کارگری ایران نباید استراتژی کسب قدرت را بر اساس حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت استوار کند. ما متوجه شدیم که چه سنتی و خطی که کمونیسم کارگری را تا مرز ترویج و تبلیغ فهمیده است، تصمیم گرفته است که سکان حزب

نامه مریم اصغر پور همسر برهان دیوانگر، از فعالین کارگری در شهر سقز



اتحادیه ها، سندیکاهای کارگری، مدافعین حقوق انسان و مردم آزادیخواه جهان!

دوستان! جمع زیادی از کارگران در شهر سقز بخاطر شرکت در مراسم

اول ماه مه روز جهانی کارگر از طرف نیروهای انتظامی دستگیر شدند، که به غیر از ۷ نفر به اسامی برهان دیوانگر، جلال حسینی، محمود صالحی، هادی تنومند، هادی خودکام، و محمد عبدی پور و یکی از شرکت کنندگان بنام محسن حکیم بقیه آزاد شدند. دستگیری آنها از طرف ماموران جمهوری اسلامی با مخالفت شدید شما کارگران و مردم آزادیخواه در داخل و سراسر جهان موجه شد. و در

اعتراض به دستگیری این کارگران صدها اتحادیه و سندیکای کارگری در سراسر جهان و مردم نژادیخواه در داخل با ارسال طومارهای اعتراضی به مسئولین جمهوری اسلامی خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط این کارگران شدند. بعد از ۱۲ روز این کارگران با وصیغه های سنگین از زندان آزاد شدند. اما چند روز پیش این کارگران از طرف دادسرا احضاریه ای دریافت کرده اند مبنی بر اینکه از تاریخ اول مهر ماه به دادگاه مراجعه کنند تا به جرم همکاری و یا هواداری از جریانات سیاسی، حزب کمونیست کارگری ایران و کومله محاکمه شوند. این در حالی است که قبلا جرم این افراد برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بدون مجوز و شرکت در مراسم غیر قانونی به ما اعلام کرده بودند. حالا جمهوری اسلامی میخواهد با منتسب کردن این کارگران به احزاب و جریانات سیاسی احکام سنگینی در مورد آنها صادر کند. دوستان گناه این کارگران تنها شرکت در مراسم روز جهانی کارگر است، جرمی دیگری را مرتکب نشده اند، هر چند شرکت در مراسم جهانی کارگر از نظر مسئولین جرم محسوب میشود. بعنوان يك زن آزادیخواه و همسر برهان دیوانگر کارگر مبارز و برابری طلب که

گناهی بجز دفاع از خود و خانواده اش و دیشر کارگران ندارد میخواهم با حمایتهای بیدریغ خود ما را یاری دهید تا خود، همسر و فرزندانمان قربانی اعمال ضدکارگری مسئولان نشویم. آزادی بی قید و شرط کارگران شرکت کننده در مراسم اول ماه مه در سقز در شروی حمایتهای متحدانه شما کارگران و آزادیخواهان از ما و همسرانمان میباشد، بیاری ما بشتابید که چشم براه حمایتهای شما همسران نوشتان هستیم!

مریم اصغر پور همسر برهان دیوانگر یکی از فعالین کارگری

مبارزه با تروریسم کار ماست (از صفحه اول)

مردم بیگناه و بی دفاع هر روزه، که تازه ترین نمونه آن فاجعه کشتار دانش آموزان شهر بسلان در جنوب روسیه بود، بدون داشتن توان دفاع از خود و بدون انتظار حمله ای که به آنان خواهد شد، قربانی تروریسمی میشوند که دو قطب آدمکش این مسابقه تروریستی آن را به مردم جهان تحمیل کرده اند. دو کمپ تروریستی که در يك طرف آن جنبش اسلامی قرار دارد که در راس آن جمهوری اسلامی است و توسط دیگر سازمانهای تروریستی اسلامی نیز حمایت میشود، در طرف دیگر آن، نیز تروریسم دولتی دولت آمریکا، دولت اسرائیل و دولتهای اروپایی عضو سازمان ناتو قرار دارند. این دو قطب تروریستی با مسابقه کشتاری که راه انداخته اند و ظاهرا پایانی بر آن متصور نیست، بر آنند که در ادامه دعوی خود یکی بر سر سهم خواهی از قدرت و از درآمد نفت در منطقه، دیگری سلطه نظامی خود بر جهان، تروریسم را به بخشی از زندگی مردم جهان تبدیل کنند. تقابل این دو کمپ با کشتار مردم نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شکل علنی و حادثه تری بخود گرفت. این رویداد مهر خود را بر سیمای سیاسی جهان زد و ظاهرا میروید که تا دهه ها نیز فضای سیاسی جهان را رقم بزند. دو طرف این مسابقه آدمکشی دارند توحش خود را در کشتار هر روزه مردم بیگناه و بی دفاع، به رخ بشریت متمدن میکشند، هر کدام به نوبه خود آب به آسیاب تروریسم طرف

مقابل میریزند تا مردم آزادیخواه را در هراس از تروریسم کور خود به استیصال و در نتیجه تسلیم و رضا به آنچه که طرفین این دو قطب تروریستی برایشان رقم میزنند، وادار کنند. تروریسم اسلامی با عملیات خودکشی، مردم بیگناه را در این یا آن نقطه جهان لت و پار میکند، تروریسم دولتی دولت آمریکا و شارون نیز با موشک و بمب مردم بی دفاع را در عراق و در فلسطین در خون غرق میکند، رسانه های جمعی نوکر صفت نیز، قربانیان این تروریسم را می شمارند. در چنین جو و فضایی، این تنها بشریت متمدن و آزادیخواه است که لطمه می بیند. این فضا به رشد مذهب و خرافه در میان مردم میدان میدهد، به تمکین کردن مردم به وضع موجود و هراس از سرنوشتی که هر آن ممکن است آنان را بکام خود بکشد، دامن میزند. باید در مقابل این مسابقه آدمکشی ایستاد، نباید اجازه داد این دو قطب تروریستی، تروریسم را به بخشی از زندگی مردم جهان تبدیل کنند. بشریت متمدن و آزاده به همبستگی علنی و وسیعتری در پیکار علیه هر دو قطب این اردوی تروریستی، نیاز دارد، به ۱۵ فوریه های فراموشن نشدنی دیگری نیاز داریم تا این غول خفته بتواند بیدار شود. ما بدست گفتیم که حذف تروریسم از زندگی و فرهنگ مردم جهان، راهش بکار بردن موشک و توپ و تانک نیست. بدست گفتیم که هیچ دولتی با توسل بزور نمیتواند جلو تروریسم را

بگیرد. بدست گفتیم که راه مبارزه با "تروریسم" حمله دولت آمریکا به عراق و زیر و رو کردن کل شیرازه آن جامعه نیست. گفتیم که از ژنرال آمریکائی انتظار "دمکراسی" داشتن بیهوده است، چون خودش يك پای این تروریسم و بخشی از آن است. نگاهی به وضعیت منطقه و جهان و سرعت گرفتن مسابقه و کشتار مردم بی دفاع و بیگناه توسط طرفین این دو قطب تروریستی، صحت گفته های ما را اثبات میکنند. ریشه تروریسم در خاورمیانه است، برای خشکاندن آن باید جمهوری اسلامی را سرنگون کرد و مساله فلسطین را بطور واقعی حل کرد. گفتیم که حل مساله فلسطین نه راه حل نظامی، که راه حل سیاسی دارد. آنهم از طریق تشکیل دولت مستقل فلسطینی همپراز با دولت اسرائیل. گفتیم که جواب راه حل سیاسی و اقتصادی را نمیشود با زور داد. دیدیم که بازگذاشتن مجدد دست شارون و دولت اسرائیل در کشتار و تحقیر مردم فلسطین و همزمان حمله و اشغال عراق توسط نیروهای آمریکا و دولت بریتانیا باعث شد که جنبش هار اسلامی پر و بال بیشتری بگیرد و به جان مردم بیدفاع بیفتد، باعث شود که حمام خونهایی که جنبش اسلامی راه انداخته بود چندین و چندین برابر شود. نگاهی به وضعیت عراق که هر روز شاهد کشتار دهها و صدها تن از مردم بیگناه و بی دفاع این کشور از دو طرف این تروریسم هستیم، صحت گفته های ما و پیش بینیهای ما را در مورد پیامدهای ناشی از حمله دولت

آمریکا به عراق ثابت میکنند. نه امنیتی هست، نه آسایشی، نه نانی، نه کاری، نه آزادی ای، تروریسم اسلامی و بقایای بعث از يك طرف و ماشین ترور و کشتار دولت آمریکا و دولت بریتانیا از طرفی دیگر، هر روز دهها تن از مردم بی دفاع عراق را لت و پار میکنند. گروههای اسلامی نیز با استفاده از این وضعیت عرصه را بر زندگی زنان و دیگر مردم آزاده و سکولار این جامعه تنگ کرده اند. کجا هستند "دولت مردانی" که همراه صفیر موشکهای کروز دولت آمریکا مژده "دمکراسی" به مردم عراق را میدادند؟ کجا هستند پادوهای محلی دولت آمریکا و مترجمین محلی حامی دولت آمریکا که برای سلام دادن به ژنرال کارنز و پل بریمر از سر و کول همدیگر بالا میرفتند؟! نگاهی به فلسطین و کشتار هر روزه مردم بیگناه و بی دفاع مردم فلسطین توسط ماشین تروریسم دولتی شارون و کشتار مردم بی دفاع اسرائیل توسط تروریسم اسلامی حماس و دیگر گروههای تروریستی اسلامی، بازهم صحت گفته های ما و دیگر نیروهای آزادیخواهی را که می پندارند راه حل تروریسم اسلامی بازگذاشتن دست تروریسم شارون در کشتار فلسطینی ها نیست، اثبات میکند. راه حل زور و بکارگیری موشک و حمله دولت آمریکا به عراق تنها به تروریسم اسلامی میدان داده است و دست جمهوری اسلامی را در دخالت در عراق و در تقویت گروههای تروریستی اسلامی باز گذاشته است. ما گفتیم راه مبارزه با تروریسم استفاده از زور و موشک

۱۴ سپتامبر ۲۰۰۴

کردستان، چپ و ناسیونالیسم

کردستان، چپ و ناسیونالیسم از حسین مرادیگی (حمه سور)، منتشر شده است!

روایتی از تاریخ يك دوره مهم از تاریخ کردستان و ایران و گرایشات و احزاب مختلف در آن است. تعبیری از زبان کسی است که خود يك عنصر مهم و دخیل در آن تحولات و بنابراین سبک و شیوه جدیدی در تاریخ نگاری و شیوه نگرش به تاریخ و روندهای تاریخی و دست نشان کردن تمایز و تفاوت‌های گرایشات اجتماعی و احزاب مختلف است. این کتاب شکل گیری چپ، سیرتکوین کومه‌له، تحركات

غیر علمی در باره تحولات کردستان و گرایشات اجتماعی طبقاتی موجود در آن و شکل گیری احزاب و جایگاه آنان را در مهمترین نقطه عطفهای تاریخ داشته باشند، توصیه میکنیم. انتشارات نسیم کسانی که در سوئد مایل به خرید آن هستند میتوانند به این شماره تلفن مراجعه کنند:

۰۷۳۶۱۳۴۱۴۶

آوات شریفی

کارگری، دور و نقش سوسیالیسم کارگری و رویدادهای سیاسی و اجتماعی مهم يك دوره مهم از تاریخ کردستان و بخشا ایران را مورد بازبینی قرار میدهد. خواندن این کتاب را به همه کسانی که جویای حقیقت اند، میخواهند دیدگاهی متفاوت از تعبیر و تاریخ نگاری کلیشه ای و ناسیونالیستی و اکثرا

توجه نکنید، رفقا!". این معنی دارد و رمزهایی از تصمیم برای این تغییر ریل و شیفت اجتماعی حزب کمونیست کارگری ایران را بیان میکند. در این "سابقه" خود حمید تقوائی و محفلش قرار دارند که یا مطلقا در تاریخ کمونیسم کارگری غایب اند و یا بی نقش اند. منصور حکمت همواره تاکید داشت که تاریخ شکل گیری و عروج کمونیسم کارگری و حزب آن برای هر عضو جدید بسیار مهم و حیاتی است، بدون قرار گرفتن در متن این تاریخ نمیتوان حتی زمینه و پیشینه همین اختلاف نظرات اخیر و دلایل جدائی ما حکمتیستها را هم فهمید. لاک گرفتن این تاریخ و خارج کردن پروژکتور از تمرکز بر نقش و تاریخ و پیشینه کسانی که سرنوشت دیگری را برای حزب کمونیست کارگری تدارک دید اند، بخشی از همان پروژه انقلاب ایدئولوژیک و تغییر ریل گرایشی است. اما مخاطب اصلی این تقاضا، اساسا لایه ای از کادری حزب کمونیست کارگری ایران هستند که به تمامی در پروژه حمید تقوائی و علی جوادی و آذر ماجدی شریک نیستند، و ایجاد انقلاب ایدئولوژیک و فالانژ سازی از آنها علیه "شیاطینی" که راه خود را جدا کرده و دیگر محلی از اعراب در افشاگرها ندارند، پس از فرونشستن حالات زودگذر خلسه و تهییج درونی، بسیار مشکل شده است. یکی به این دلیل که منصور حکمت خود را مستقل از تشبیهات دوائر محفلی و مصادره کردنیهای خصوصی، در آثار مکتوب و مستند و با زبان و سخن خود ثبت کرده و در دسترس گذاشته است. جامعه و همین لایه کادری حزب کمونیست کارگری ایران تفاسیر من

(ادامه از صفحه ۴)

"کنگره" انقلاب ایدئولوژیک

غیره. پرچم سیاسی ایرج آزرین در مراحل اولیه و در فضای عصبی استعفاها هنوز پنهان بود. لایه انسانی مستعفیون هنوز بسیاری از بحثهای منصور حکمت را قبول داشتند، هنوز لاقبل مبنای کمونیسم کارگری را تا مقطع طرح بحث حزب و قدرت سیاسی را قبول داشتند و تراهای پایان دوره انقلابات، پایان سوسیالیسم و از جمله پایان دوره سرنکونی رژیمهای ارتجاعی و مشاورت سرمایه داران کوچک و بانک جهانی را نمی پذیرفتند. ایرج آزرین به محض علنی کردن مواضعش در کتاب چشم انداز، از جمع مستعفیون منزوی شد. برای حمید تقوائی کمونیسم کارگری یک پدیده خارجی است، بحث حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت و حزب سیاسی او را رد کرده است، قرار گرفتن او و سیاستهایش در راس حزب کمونیست کارگری ایران، این حزب را در بستر چپ سنتی و احزاب چپ غیر کمونیسم کارگری خواهد گذاشت. هم اکنون دیگر شاخه های چپ سنتی به آنها فراخوان داده اند، در "نقد منصور حکمت صریح باشند و شرمگینانه عقب ننشینند". اگر تصمیم به برپائی تجمع فوق العاده پس از تاسیس حزب حکمتیست فلسفه ای داشته باشد، همین است. تلاش و تعرض ایدئولوژیک به لایه انسانی حزب کمونیست کارگری ایران برای تسریع در این تغییر ریل و این شیفت در مسیر اجتماعی است. نکته بسیار جالبی که حمید تقوائی مدام بر آن تاکید دارد، التماس برای این است که "به سابقه

"ناقهرمانان"، سخنرانیها و آژیتاسیونهای "قهرمانانه" خواهند کرد، پرونده سازبها و شیطان سازبها خواهد شد و تصاویر جعلی و وارونه از حتی اختلافات درون حزب کمونیست کارگری ارائه خواهد شد. حواریون نزدیک به محفل لیبر و رئیس دفتر سیاسیشان، و کسانی از نوع محمد آسنگران و مینا احدی، در فضائی که برای خالی کردن عقده و دل چرکینیهای دیرین از منصور حکمت و سیاستهایش در شرایط فقدان منصور حکمت و کنار رفتن ما حکمتیستها، آماده کرده اند هیجان زده خواهند شد، در سمای عارفانه فرقه ای به خلسه انقلاب ایدئولوژیک در خواهند غلطید، تا بقیه و صف باقیمانده مرعوب شود، "قانع" شود و به این فضای غیر سیاسی تسلیم شود و حرکت "ضد انتقادی" و تزکیه ایدئولوژیک به نهایت خود برسد. واقعیت اما این است که خط چپ فرقه ای تصمیم دارد حزب کمونیست کارگری را زیر پرچم خود بگیرد. خط مستعفیون سال ۲۰۰۰ این بار در راس حزب کمونیست کارگری جشن پیروزی را سر خواهد داد و این البته معضلات جدی ای را پیش پای آنها خواهد گذاشت: در سال ۲۰۰۰ ایرج آزرین خود را به راس مستعفیون رساند، در اولین قدمها چنین نشان داد که بحث و اختلافی سیاسی تشویریک با بحث حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت دارد، گفت منصور حکمت مارکسیست سابق است، از مارکسیسم منحرف شده است و



پابرجای انسانی و اجتماعی فوق العاده مشکل است. و آنهائی که چنین سرنوشت تراژدیک و غم انگیزی را برای حزب کمونیست کارگری ایران ترسیم کرده اند، آیا واقعا حاضرند با گردن افراشته مسئولیت نتایج و عواقب مخرب ماجراجوییهای خود در بازی با سرنوشت حزب کمونیست کارگری ایران را هم رو به جامعه تقبل کنند؟ گرایش چپ روشنفکری غیراجتماعی مسئولیت هم سرش نمیشود. موارد قبلی تلاش و توطئه برای سرقت سیاسی شاهد زنده اند و بازار گرمی دواثر ضد کمونیست در هر دوره جست و خیزهای گرایشات عقب مانده و چپ غیر اجتماعی، تنها "دستاوردها" و حاصل ایژکتیو این اوج عدم مسئولیتها بوده است. لایه انسانی حزب کمونیست کارگری ایران، اما، دیر یا زود ناچار است خود را از زیر دست و پای گرایش چپ غیر مسئول و همیشه در حاشیه جامعه رها سازد. اگر میخواهد فرقه و سکت نباشد، اگر میخواهد منشا اثری در زندگی آدمهای واقعی باشد، اگر میخواهد به عضویت در جمع مهجورین سیاسی دل خوش نباشد، مجبور است، نمیتواند دامن در حال و هوای خلسه ایدئولوژیک و تزکیه درونی با عبارات انتزاعی زندگی کند و سترونی اجتماعی خود را از طریق مرزبندی با اشباح ایدئولوژیک و تماشای فیلم دست ساز عالم فرقه ها و سکتها از شیاطین نظری، تسکین دهد.

انسان جدی سیاسی ناچار است زندگی خود را هم جدی بگیرد.

۱۲ سپتامبر ۲۰۰۴

درآوردی از منصور حکمت و نقل قولهای درگوشی از او را با این گنجینه عظیم مقایسه میکنند. دوم به این خاطر که بخشی از این کادریا خود شخصا با روش و سیاست و سنتهای منصور حکمت آشنا شده اند، و اگر تاثیر این گرایش در زندگی انسانها جاری شده باشد، شیوه پرواز ارواح خبیث و تفتیش ایدئولوژیک کاری از پیش نمی برد. این انسانها را نمیتوان با هیچ کمپین ایدئولوژیک طلمس کرد. و بالاخره وقتی تابولوی تمام نمای غسل تعمید دهندگان بالا رود، بسیاری خواهند دید که حزب کمونیست کارگری ایران پرچمی را در کنار و در میدان چپ حاشیه جامعه، چپی که خود را همیشه کوچک میداند، جونیور است و مشاور به قدرت رساندن دیگران بوده است و اعتماد به نفس کمونیسم لنین و منصور حکمت برایش سنگین و غیر قابل هضم است، برافراشته است. تردیدها و دودلیها سرباز خواهند کرد و اگر هجوم احساس نفرت از حکمتیستها پلهای پشت سر بسیاری از انسانهای شریف و کمونیست را تخریب نکرده باشد، بازنگریها شروع خواهد شد و تجدید نظر در مسیری که آنها را به آن کشانده اند بطور جدی آغاز خواهد شد. صفوف حزب کمونیست کارگری ایران را تعدادی انسان شبه مذهبی و از نوع مسخ شدگان شیفته فرقهها تشکیل نمیدهد، انقلاب ایدئولوژیک سکتها و فرقه ها در این صف نمیگردد، قبلا سعی کردند و نرفت، این بار هم نمیگردد. تغییر ریل اجتماعی و گرایشی حزب کمونیست کارگری ایران و توهم سران این حزب برای به سرانجام رساندن مراسم برائت از منصور حکمت و حکمتیسم به حکم فاکتورهای